



مقدمه:

«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ» (1)

سال‌ها از بیان دلنشین و زیبایی حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه وآله) گذشت ولی نه اشخاص توفیق استفاده از این علوم را داشته و نه شرایط زمان و مکان و حکومت‌ها اجازه بهره‌برداری از این اقیانوس عظیم و عمیق را داد.

وجود و ظهور یازده امام بعد از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) لطفی بزرگ برای امتی که قدرشناس وجود نازنین، آن اولیاء الهی نبودند.

بهترین موقعیت و شرایط یک نهضت و قیام بزرگ علمی در زمان امام باقر (علیه السلام) به وقوع پیوست. در آن شرایطی شیعه مثل سال‌های پیش از آن حضرت در تنگنا نبود. و این موقعیت باعث شد تا آن امام به نشر و اشاعه حقایق و معارف الهی پرداختند و مشکلات علی را تشریح و جنبش علمی دامنه داری را به وجود آورد و مقدمات تأسیس یک دانشگاه بزرگ اسلامی را که در دوران امامت فرزند گرامیش امام صادق (علیه السلام) به اوج رسید، پی ریزی شود.

امام باقر علیه السلام امام پنجم (علیه السلام) در علم، زهد، عظمت و فضیلت سرآمد همه بزرگان بنی‌هاشم عصر خویش بود و مقام بزرگ علمی و اخلاقی او مورد تصدیق دوست و دشمن بود. لقب آن حضرت «باقر» است که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) به ایشان عطا فرمود و در مورد ایشان فرمودند:

«يُبْقَرُ عِلْمُ الدِّينِ بِقَرِّ»

«او می شکافد علم دین را شکافتنی» (2)

آن حضرت را باقر گفتند چرا که آن حضرت شکافنده علوم اولین و آخرین بود. این مقام علمی او باعث شده تا افراد زیادی برای سیراب شدن چشم‌های جوشان دانش و معارف او از نقاط دور به سوی او روانه شوند، به نحوی که روایت و راویان از او بسیار شدند.

به قدری روایات و احادیث در زمینه مسائل و احکام اسلامی، تفسیر، تاریخ اسلام و انواع علوم، از آن حضرت به یادگار مانده است که تا آن روز از هیچ یک از فرزندان امام حسن و امام حسین (علیه السلام) به جا نمانده بود.

کثرت احادیث آن حضرت جابر جُعفی که از موثقین راویان و أعظم ناقلین احادیث می باشد می گوید:

«عِنْدِي خَمْسُونَ أَلْفَ حَدِيثٍ، مَا حَدَّثْتُ مِنْهَا شَيْئًا. كُلُّهَا عَنِ النَّبِيِّ مِنْ طَرِيقِ أَهْلِ الْبَيْتِ.»

«نزد من پنجاه هزار حدیث موجود می باشد که من یکی از آن ها را هم بیان ننموده ام، همه آن احادیث از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) است از طریق اهل بیت (علیهم السلام)». (3)

و محمد بن مسلم هم از حضرت امام باقر سی هزار حدیث روایت کرده است. (4) کتب و مؤلفات دانشمندان و مورخان اهل تسنن مانند: طبری، بلاذری، سامرا، خطیب بغدادی، ابونعیم اصفهانی، و کتبی مانند: موطأ مالک، سنن ابی داود، مسند ابی حنیفه، مسند مروزی، تفسیر نقاش، تفسیر زمخشری و ده ها کتاب دیگر که از مهم ترین کتب جهان تسنن است، پرواز سخنان پر مغز پیشوای پنجم است و همه جا جمله «قال محمد بن علی» و یا «قال محمد الباقر» به چشم می خورد. (5)

از زبان دیگران قدرت امام در دانش و علوم مختلف به حدی بود که زبان دانشمندان از دوست و دشمن را به اعتراف گشود. ابن حجر هیتمی در صواعق محرقه گفته:

«محمد باقر به اندازه ای گنج های پنهان معارف و دانش ها را آشکار ساخته، حقایق احکام و حکمت ها و لطایف دانش ها را بیان نموده که جز بر عناصر بی بصیرت یا بد سرپرست پوشیده نیست و از همین جاست که وی را شکافنده و جامع علوم و برافرازنده پرچم دانش خوانده اند» (6)

عبدالله بن عطاء که یکی از شخصیت های برجسته و از دانشمندان بزرگ عصر امام بود می گوید:

«من هرگز دانشمندان اسلام را در هیچ محفل و مجمعی به اندازه محفل محمد بن علی (علیه السلام) از نظر علمی حقیر و کوچک ندیدم. من حکم بن عتیبه را که در علم و فقه، مشهور آفاق بود، دیدم که در خدمت محمد باقر مانند کودکی در برابر استادی؟؟؟، زانوی ادب بر زمین زده، شیفته و مجذوب کلام و شخصیت او گردیده بود». (7)

امام محمدباقر (علیه السلام) در سخنان خود، اغلب به آیات قرآن مجید استناد نمود، از کلام خدا مشاهده می آورد و می فرمود: هر مطلبی گفتم، از من بپرسید که در کجای قرآن است تا آیه مربوط به آن موضوع را معرفی کنم. (8)

رجال و شخصیت های بزرگ علمی آن روز و همچنین عده ای از یاران پیامبر (صلی الله علیه وآله)، که هنوز در قید حیات بودند، از محضر آن امام هام استفاده می کردند. «جابر بن یزید جعفی» و «کیسان سجستانی» (از تابعین) و فقهای مانند: «ابن مبارک»، «زهري»، «اوزاعی»، «ابوحنیفه»، «مالک»، «شافعی» و «زیاد بن متدر نهدی» از آثار علمی او بهره مند شده و سخنان آن حضرت را بی واسطه و گاه با چند واسطه، نقل نموده اند. (9)

شاگردان آن حضرت حضرت باقر (علیه السلام) شاگردان برجسته ای در زمینه های مختلف تربیت کرد. شخصیت های بزرگی همچون: محمد بن مسلم، ابو بصیر، بُرید بن معاویه عجل، زرارۀ بن أعین و حران بن أعین، جابر بن یزید، هشام بن سالم، سُدير صيرفي، أعمش و معروف بن خَزّ بود. و از تربیت یافتگان مکتب آن حضرتند. و پس از حضرت، در محضر حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) مقام والائری را حائز بوده اند. حضرت صادق (علیه السلام) بر ایشان نظر عطوفت و رحمت را نموه، و با احترام و ملائمت و مراقت سلوک می فرمود.

شاگردان مکتب امام باقر (علیه السلام) سر آمد فقها و محدثان زمان بودند و در میدان رقابت علمی بر فقها و قضات غیر شیعی برتری قابل توجهی داشتند. آثار درخشان علمی پیشوای پنجم و شاگردان برجسته ای که مکتب بزرگ وی تحویل جامعه اسلامی داد، پیشگویی پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) را عینیت بخشید.

رسول خاتم (صلی الله علیه وآله) در مورد امام باقر (علیه السلام) به جابر فرمودند:

«.... او درهای دانش را به روی مردم خواهد گشود» (10)

این بخشش علمی امام باقر (علیه السلام) و ادامه آن توسط فرزندش امام صادق (علیه السلام) باعث رشد و ترقی و تعالی جامعه اسلامی و باعث افتخار و حقانیت شیعه گردید.

پاورقی:

1. طبرسی، احمد بن علی؛ الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، 1403 ه.ق، ج 1، ص 78
2. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1404 ه.ق، ج 46، 222.
3. به نقل از: حسینی طهرانی، سید محمدحسین؛ امام شناسی، بیروت، الطبعة الاولى، دارالمحجة البيضاء، بی‌تا، ج 16 و 17، 195.
4. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات علامه، 1379 ه.ق، ج 4، 195.
5. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 4، 195 و 196.
6. ابن حجر هیتمی، احمد؛ الصواعق المحرقة، الطبقة الثانية، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1414 ه.ق، 1993 م، ص 304.
7. ابن کثیر، البداية و النهایه، الطبعة، الثانية، بیروت، مكتبة المعارف، 1977 م، ج 9، 311.
8. طبرسی، احتجاج، نجف، المطبعة المرتضویه، 1350 ه.ق، ص 176.
9. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 4، 195.
10. مجلسی، بحارالانوار، ج 46، ص 225.

نویسنده: مقدار براتی